

نشریه روزانه سومین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران

سینما

# ۲ حدود

CINEMA VERITE

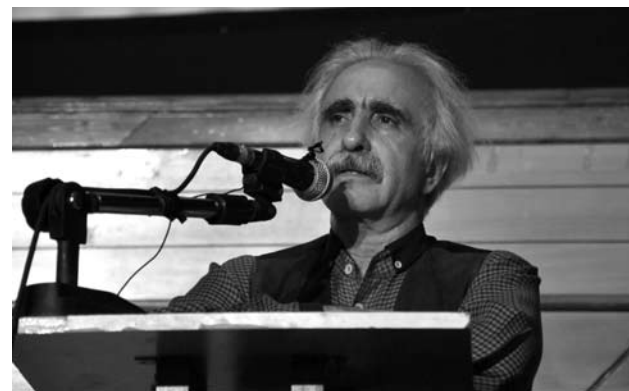
۲۴ مهرماه ۱۳۸۸ - ۲۰۰ تومان



## جشنواره سینما حقیقت با نمونه‌های جهانی برابری می‌کند

از آن مهم‌تر مستندسازان ایرانی محدود می‌شوند. "سینمای مستند تنها یک حرفه نیست، بلکه خواست بزرگ تاریخی است که کمبودهای تاریخ نویسی و فرهنگی‌مان را جبران می‌کند و رسالتی تاریخی بر عهده دارد." اصلانی با متذکر شدن این نکته، بی‌هقی را آغاز کننده نگاه واقع بینانه و روایت بدون دستکاری وقایع دانست. او از این‌که سینماگران ما در این سال‌ها نتوانستند بی‌هقی وار به دنیای اطرافشان نگاه کنند ابراز تاسف کرد. کارگردان «جام حسنلو» در ادامه سینمای مستند را آیین تمام نمای حقیقت دانست: سینمای مستند واقعیتی را از پس ظاهر آشکار می‌کند. سینمای مستند سینمای حقیقی و واشکافنده است و می‌تواند به راحتی به دال‌ها و مدلول‌های زیادی برسد. این هنرمند پیشکسوت در پایان صحبت‌های خود با تأکید بر این‌که امروز جشنواره سینما حقیقت با جشنواره‌های جهانی آمستردام و ماریس برابری می‌کند خاطر نشان کرد: در دو دوره برابری این جشنواره با رویکردها و آثار متنوع و گاه درخشان از سبک‌سازی در سینمای مستند رو به رو شدیم که انعکاسی جهانی داشت. به همین دلیل به جرات می‌توان گفت جشنواره سینما حقیقت تنها جشنواره حقیقی جهانی در ایران است و به نظر من این دستاورد کمی برای سینمای مستند ایران نیست. البته باید به خاطر داشته باشیم این موفقیت نه حاصل تلاش فردی است و نه سازمانی. بلکه حاصل تلاش جامعه سینمایی کشور و هدیه‌ای برای ملت است. مراسم افتتاحیه سومین دوره جشنواره سینما حقیقت با نمایش مستند بلند "خرگوش در برلین" ساخته "بارتک کونوپکا" پایان یافت.

مراسم افتتاحیه سومین دوره جشنواره سینما حقیقت در فضایی صمیمانه روز گذشته (۲۳ مهر) در سالن شماره یک سینما فلسطین برگزار شد. مراسم با سرود جمهوری اسلامی، تلاوت قرآن و بخش تیزر جشنواره آغاز و سپس با قرائت پیام محمد آفریده مدیر جشنواره توسط شهنام صفاجو مدیر روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی ادامه پیدا کرد. در ادامه مراسم که با حضور جمعی از اهالی فرهنگ و هنر و دوستان سینمای مستند برگزار می‌شد محمد رضا اصلانی مستند ساز پیشکسوت پیرامون جشنواره سینما حقیقت و تأثیر آن بر سینمای مستند ایران سخنرانی کرد. او در بخشی از صحبت‌های خود با اشاره به تأثیر برگزاری چنین جشنواره‌هایی در رشد سینمای مستند گفت: جشنواره سینما حقیقت حالا دیگر یک نهاد جامعه‌شناسی و تاریخ‌شناسی در ایران است. امیدوارم کسانی که این جشنواره را به سومین دوره برگزاری‌اش رسانده‌اند چهلمین دوره آن را هم برگزار کنند و چراغ سینمای مستند را همچنان روشن نگه دارند. اصلانی با یادآوری جمله معروف میرفندروسکی در باب شناسایی هنرمندان افزود: آن‌جا که کار فیلسوف به پایان می‌رسد آغاز کار پیامبران است و همان‌جا که علم و سیاست و تجارت به منزل نهایی خود می‌رسد تازه آغاز راه هنرمندان است. این جمله را سال‌ها پیش میرفندروسکی در مورد جایگاه بالای آثار هنری گفته است و من امروز می‌خواهم اضافه کنم هنرمندانی که او از آن‌ها یاد کرده بود، به سینماگران و از آن محدودتر سینماگران مستندساز و



### داوران بخش مسابقه ملی

۱۳۸۱ مسئولیت معاونت تولید مؤسسه روایت فتح را بر عهده داشت. از دیگر فعالیت‌های هنری فارسی می‌توان به کارگردانی مستندهای مستقلی چون فانوس رو به باد، مهاجران، خلوت دل، قصه‌های جنگ و رستاخیز اشاره کرد. محمدعلی فارسی اردیبهشت امسال، نشان زرین دومین دوسالانه جایزه بزرگ شهید اوبینی [ویژه برترین مستندهای سال] را برای کارگردانی فیلم مستند بلند «رستاخیز» دریافت کرد. ساعد نیک‌ذات، فعالیت هنری خود را از سال ۱۳۵۳ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مشهد آغاز کرد و طی همکاری با انجمن سینمای جوانان ایران، چندین جایزه از جشنواره‌های معتبر بین‌المللی و ملی کسب کرد. پس از مدتی فیلم‌برداری را به عنوان حرفه تخصصی خود انتخاب کرد. سیدمحمد مهدی طباطبایی‌نژاد، از پژوهشگران و نویسندگان و تهیه‌کنندگان برنامه‌های تلویزیونی است و از جمله آثار او می‌توان به تهیه مجموعه مستند آخرین پرواز و فیلم مستند- سینمایی حقیقت گمشده اشاره کرد. او از ابتدای سال ۱۳۸۷ تاکنون، قائم‌مقام مدیرعامل و معاون فرهنگی و تولید «مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی» است.

اسامی داوران بخش مسابقه ملی سومین جشنواره سینما حقیقت که بسیاری از مستندسازان، به‌خصوص آن‌ها که تازه پا در این راه گذاشته‌اند، تا روزهای آخر جشنواره چشم‌به‌راه قضاوتشان هستند، اعلام شد. حسین ترابی، از جمله مستندسازان و فیلم‌نامه‌نویسان با سابقه سینما و تلویزیون است که تولید فیلم‌هایی چون مجلس، سرچشمه، قصه مادر بزرگ، الاکلنگ، اصفهان، فردوسی و مردم، گلاب قمصر، پیام‌بر، زندگی یک رهبر، بازرگان از نخست‌وزیری تا استعفا و مستند تحسین شده «برای آزادی» [یکی از ۱۰ مستندی که به نوشته مجله معتبر «سایت‌اندساوند» و «موسسه فیلم بریتانیا»، دنیا را تکان داده است] را در پرونده کاری‌اش دارد. دکتر شهاب‌الدین عادل عضو هیأت مؤسس انجمن عکاسان سینمای ایران و عکاس صحنه فیلم‌هایی چون باشو غریبه کوچک، بازمانده، دختری با کفش‌های کتانی، شوکران، دختران خورشید و گاوخونی است و این روزها به عنوان معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده سینما - تئاتر دانشگاه هنر و عضو هیأت علمی گروه تخصصی سینمای این دانشکده، فعالیت می‌کند. محمدعلی فارسی از سال ۱۳۶۷ به عنوان دستیار کارگردان و تدوین‌گر، همکاری خود را با شهید اوبینی را آغاز کرد و پس از شهادت او تا سال

بخش پژوهش در کشور ما ضعیف است، مظلوم است، بودجه اش کم است. برای دانستن این‌ها نیازی به علم و دانش خاصی هم نیست. یک نگاه گذرا به بودجه سالانه‌ای که در کشور صرف تحقیق و پژوهش می‌شود، مظلومیت بخش پژوهش را نشان می‌دهد. حال به وضعیت پژوهش در سینمای مستند فکر کنید. سینمایی که در میان گونه‌های فیلم‌سازی خود به مظلومیت شهره است.

بخش پژوهش مرکز سینمای مستند و تجربی برای بهبود وضعیت پژوهش در میان مستندسازان ایرانی هم‌زمان با برگزاری سومین دوره جشنواره سینما حقیقت اقدام به برگزاری سه کارگاه در حوزه پژوهش در سینمای مستند کرده است. این کارگاه‌ها به مدت سه روز در مرکز فرهنگی هنری صبا برگزار می‌شود. در خصوص این کارگاه‌ها و وضعیت پژوهش در فیلم‌های مستند با «مسعود فرخنده کیش» معاون پژوهشی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی که مسئولیت برگزاری کارگاه‌های آموزشی را هم برعهده دارد، گفت‌وگویی انجام داده‌ایم.

### طاہرہ رحیمی

#### هدف از برگزاری این کارگاه‌ها چیست؟

ما به‌خصوص در حوزه مستند نیازمند هستیم که توانایی‌ها و دانش فیلم‌سازان را تکمیل کنیم. فیلم‌سازان جوان باید ترغیب شوند که در کارهای خود بیشتر به پژوهش بپردازند و به آن اهمیت دهند. در محاسبات اولیه فیلم نیز مبلغی را برای پژوهش در نظر بگیرند. کارگاه‌های امسال بر اساس فیلم‌هایی که تولید شده‌اند و موضوعاتی که پیش‌بینی می‌شود، مخاطبان بیشتری داشته باشند، انتخاب شده‌است. کارگاه‌های امسال شامل سه موضوع متفاوت است، کارگاه «مستند و انسان شناسی» با حضور آقای دکتر «جلال‌الدین رفیع‌فر» استاد رشته انسان‌شناسی دانشگاه تهران و کارگاه آموزشی «معماری در پرده، معماری بر پرده» با حضور آقای «محمد رضا حائری» برگزار می‌شود. این کارگاه به ویژگی مهم معماری ایران یعنی حجاب و پوشیدگی آن در یک بخش و در بخش دیگر به آثار مستندی که درباره معماری ایران ساخته شده‌اند، می‌پردازد. کارگاه آخر هم درباره ارتباط رسانه و فیلم مستند و تاثیر متقابل این دو بر یکدیگر است که احمد میرعابدینی استاد رشته ارتباطات مدیریت این

کارگاه را برعهده دارد. این کارگاه‌ها از صبح یک‌شنبه (۲۶مهر) در مرکز فرهنگی و هنری صبا برگزار می‌شود. دغدغه برخی فیلم‌سازان در حوزه مستند،

استفاده از دانش فیلم‌سازی روز در حوزه مستند است. چرا مثل سال گذشته از اساتید خارجی مرتبط با مستند در این کارگاه‌ها استفاده نمی‌کنید؟

متأسفانه امسال نتوانستیم نظر برخی دوستان را برای حضور در کارگاه‌ها جلب کنیم، اما در جشنواره‌های آینده این کار را خواهیم کرد. زیرا به دنبال ارائه و آموزش شیوه‌هایی روز هستیم که به اصطلاح امتحانشان را هم پس داده‌اند.

در صحبت‌هایتان به اهمیت و حساسیت پژوهش اشاره کردید، اصولاً پژوهش از مقولاتی است که با سینمای مستندگره‌خورده‌است، پس چرا باید مستندسازان با آن بیگانه باشند؟

فکر می‌کنم علت اصلی آن عدم تامین منابع مالی است. معمولاً پروژه‌ها شامل اعداد منطقی برای تولید نیست و پولی که در اختیار فیلم‌ساز قرار می‌گیرد، کمتر از هزینه واقعی فیلم است. بنابراین زمانی که قرار است از جایی زده شود، پژوهش و تحقیق اولین گزینه است که فرد مجبور می‌شود از آن صرف نظر کند. مشکل دیگر موضوع پژوهش میدانی است. متأسفانه برخی فیلم‌سازان ما فکر می‌کنند، پژوهش یعنی اینکه دوربین را بردارند و در خیابان راه بیفتند و درباره سوژه‌شان تصویر بگیرند. در حالی که بخش پژوهش از مرحله تولید متفاوت است.

برخی مستندسازان به‌خصوص آن‌هایی که در حوزه میراث فرهنگی کار می‌کنند، از عدم همکاری نهادها و سازمان‌هایی گله می‌کنند که اسناد و

#### منابع پژوهش در اختیار آن‌هاست.

بله متأسفانه این مشکل همیشه وجود داشته است. ما پژوهش و تحقیق‌های زیادی داریم که هر سازمان، ارگان یا نهادی متناسب با حوزه کارش و علاقه پژوهش‌گران آن انجام داده است. اما یا اصلاً اطلاعی از این تحقیقات در خارج از همان مجموعه وجود ندارد یا اینکه اگر هم باشد، به سختی در اختیار دیگران قرار می‌گیرد. حتی متولیان و دارندگان این اطلاعات ترجیح می‌دهند، این پژوهش‌ها در کتابخانه‌ها خاک بخورد، اما در اختیار کسی قرار نگیرد. فکر می‌کنم اگر ما بانک اطلاعاتی در زمینه پژوهش‌های انجام شده داشته باشیم، مشکل دسترسی به اطلاعات و اسناد و پژوهش‌ها و برقراری ارتباط با نهادهای مسئول راحت‌تر می‌شود. به این ترتیب از بسیاری دوباره کاری‌ها جلوگیری می‌شود و هم علائق مشترک شناسایی و احتمالاً کارها کیفیت بهتری پیدا می‌کردند.

#### اقداماتی برای بهبود این مشکل انجام داده‌اید؟

خوب یکی از کارها همین حساس کردن فیلم‌سازان و نهادهای مرتبط نسبت به مساله پژوهش است که به وسیله برپایی این کارگاه‌ها تامین می‌شود. بر اساس همین نگاه بود که توانستیم با پژوهشکده ابن سینا گفت‌وگوهایمان را آغاز کنیم و پژوهشکده به عنوان یکی از اسپانسرهای جشنواره در بیاید. تعامل‌هایی هم با نهادهای دیگری مثل سازمان فرش، وزارت علوم شهرداری و... داشتیم که برخی از آن‌ها جواب داده است. اینکه مستندسازان بتوانند به اطلاعات این کتابخانه‌ها دسترسی پیدا کنند. سال گذشته هم همایش انسان‌شناسی تصویری را با همکاری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار کردیم.

در زمینه دسترسی به اسناد تاریخی چطور. بسیاری از این اسناد و مدارک در اختیار موزه‌هایی است که زیر نظر برخی نهادها فعالیت می‌کنند و برقراری ارتباط با آن‌ها برای مستندسازانی که به صورت مستقل کار می‌کنند، بسیار سخت است.

شهرداری و نهادهایی مثل آستان قدس رضوی به ما قول همکاری داده‌اند. به عنوان مثال همین آستان قدس پژوهش‌ها و اسناد مذهبی بسیاری در اختیار دارد و به‌طور مشخص برای برگزاری جشنواره امام رضا قرار است با ما همکاری نزدیک داشته باشد و با مستندسازان همکاری کند و همین صندوق ۱۵ طرح را برای حضور در جشنواره رضوی کلید زده است.

# بانک اطلاعات برای پژوهش نداریم

مسعود فرخنده کیش معاون پژوهشی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی



مستندسازان جشنواره سینما حقیقت را ارزیابی می‌کنند

## تبدیل مستندهای آماتور به حرفه‌ای

سومین جشنواره سینما حقیقت در حالی برگزار می‌شود که با وجود تاکید تعدادی از مستندسازان کشور در مثبت ارزیابی کردن آن در اعتلای جریان سینمای مستند، هنوز یکی از مشکلات، نبود سرمایه‌گذارانی است که بتوانند فیلم‌های مستند را از حالت آماتور به یک حرکت حرفه‌ای تبدیل کنند که قدرت نمایش عمومی در سطح گسترده را داشته باشد.

مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی برای تحقق سینمای ملی و با هدف تقویت سینمای مستند خلاق ایران، با رویکرد صیانت از هویت ملی مبتنی بر انگاره‌های شرقی، دینی و ایرانی، بازنمایی فرهنگ، تاریخ و جامعه ایرانی-اسلامی، بیان نسبت و نزدیکی سینمای مستند به واقعیت و حقیقت، آشنایی فیلم‌سازان کشور با تحولات نوین سینمای مستند جهان و ایجاد امکان برای تولید مشترک، عرضه، نمایش و پخش جهانی فیلم‌های مستند، سومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینما حقیقت» را برگزار می‌کند. در واقع جشنواره سینما حقیقت، تخصصی‌ترین جشنواره داخلی در حوزه سینمای مستند است و طی سه سال برپایی توانسته جایگاه بایسته‌ای را در میان مستندسازان به‌دست آورده و محلی باشد برای نمایش آثاری که تا پیش از به نمایش در نمی‌آمدند و یا به‌طور پراکنده و غیر منسجم ارائه می‌شدند. به سراغ فیلم‌سازان عرصه مستند رفتیم تا ارزیابی آن‌ها را پیرامون جشنواره سینما حقیقت و نقش آن در اعتلای این سینما دریابیم.

سحر آزاد

### محمد رضا اصلانی: راهی برای ایجاد نظام صنعتی

سومین دوره جشنواره سینما حقیقت برای این دوره شعار سینمای مستند برای همه را با هدف خارج کردن مخاطبان این سینما از جمع‌های خاص انتخاب کرده است، محمد رضا اصلانی، از پیشکسوتان سینمای مستند با تکیه بر این نکته، توجه بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری صاحبان صنایع را از راه حل‌ها این مساله می‌داند: «در ایران سالانه سه هزار فیلم مستند ساخته می‌شود ولی خیلی از این فیلم‌ها آماتور هستند. انگلستان با تولید ۷۰۰ فیلم در سال به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده فیلم‌های مستند شناخته شده؛ البته این تعداد فقط آمار رسمی و فیلم‌های حرفه‌ای را شامل می‌شود، در حالی که با محاسبه فیلم‌های آماتور، تعداد فیلم‌های مستند انگلستان بسیار بیشتر می‌شود.»

او در ادامه با استناد به نظام‌مندی صنعتی در سینمای مستند انگلستان و مقایسه آن با ایران توضیح می‌دهد: «در انگلستان فیلم‌های مستند، بودجه صنعتی مشخصی دارند، در ایران اما چنین نیست. انگلستان به عنوان یک نظام کلی به سینمای مستند توجه کرده و برای آن رابطه‌های صنعتی به‌وجود آورده است. در ایران هم باید نظام صنعتی در چرخه سینمای مستند ایجاد شود که یکی از راه‌های آن برگزاری جشنواره‌های تخصصی است. بنابراین جشنواره سینما حقیقت می‌تواند توجه صاحبان صنایع و بانک‌ها را در راه‌اندازی چنین شبکه‌ای به خود جلب کند.»

اصلانی با بیان اینکه جشنواره سینما حقیقت توانسته است تا حدودی به این هدف برسد، ادامه می‌دهد: «فکر می‌کنم، الان وقت آن رسیده است که به عنوان یک کشور قدرتمند در سینمای مستند، وارد عرصه جهانی شویم و برای آن بودجه بیشتری در نظر بگیریم.»

او درباره تاثیر جشنواره سینما حقیقت در روند سینمای مستند، نتیجه می‌گیرد: «جشنواره، فیلم‌ها و صاحبان سرمایه را از حالت آماتور خارج می‌کند و به مرور باعث ورود بخش خصوصی به گود سرمایه‌گذاری صنعتی می‌شود.»

### رضا برجی: تاثیرگذاری در منطقه

رضا برجی، مستندساز به نوعی با اصلانی در اینکه سینمای مستند ایران قابلیت مطرح شدن در خارج از مرزها را دارد، هم نظر است: «جشنواره سینما حقیقت یکی از پربارترین جشنواره‌های سینمای مستند منطقه است. با توجه به اینکه کشورهای منطقه، سینمای مستند قوی ندارند،



کشور ما با ظرفیت بالای سینمای مستند می تواند تأثیرگذار باشد.»  
او در ارزیابی خود از تأثیر جشنواره اصفاه می کند: «حرکت بسیار مثبتی در جریان سینمای مستند است. به خصوص در دوره قبل که مهمانان خارجی زیادی دعوت شده بودند و کارگاه‌هایی برگزار شد که جنبه کاربردی داشتند. جای چنین جشنواره‌هایی در سینمای مستند ما خالی بود. البته در هر دوره کاستی‌هایی وجود دارد که می تواند در دوره‌های بعدی رفع شود.»

او در ادامه صحبت‌هایش البته بی توجهی نسبت به سینمای مستند را نیز یادآور می شود: «متأسفانه سینمای مستند ما هنوز جایگاه خودش را پیدا نکرده و مسئولان نقش آن را به درستی درک نکرده‌اند. امروزه مستند، حرف اول را در سینما می زند و می توان با نمایش یک فیلم کوتاه سروصدای زیادی در جهان به پا کرد. امیدوارم در سال‌های آینده جایگاه سینمای مستند و جشنواره‌هایی از این دست، با حمایت جدی مسئولان پررنگ‌تر شود.»  
او همچنین کاستی دیگر سینمای مستند را عدم نمایش عمومی فیلم‌ها برمی شمرد: «فیلم‌های مستند ما فرصت کمی برای نمایش عمومی دارند و مسئولان باید فکری برای آن کنند.»

### علی اکبر ولدبیک: نمایش عمومی

علی اکبر ولدبیک، سازنده مستندهای «پردیس آجری» و «ایران فراسو» هم در ابتدای این گفت‌وگوی کوتاه بحث اکران فیلم‌های مستند را پیش می کشد: «سینمای مستند و هر پدیده هنری برآیند حقیقت‌های اجتماعی هستند و ادعا دارند که سطح آن‌ها از افراد عمومی بالاتر است اما زمانی این پدیده‌های هنری می تواند موفق باشند و نتیجه بدهند که به صورت عمومی به نمایش در بیایند. بهترین شکل استفاده از مستند در تلویزیون است و مادامی که چنین کاری در کشور ما روی ندهد، نمی توانیم با گسترش سینمای مستند مواجه شویم.»

او البته جشنواره‌های سینمای مستند را در این زمینه چندان موفق نمی داند: «آنچه امروز در جریان سینمای مستند شاهد آن هستیم، این است که بیشتر فیلم‌ها در جشنواره‌ها به نمایش گذاشته می شوند و در نهایت برآیند جشنواره تماشای فیلم توسط عده‌ای محدود یا شرکت آن در جشنواره‌های خارجی است. جشنواره‌ها در روند اقبال عمومی برای فیلم‌های مستند خیلی موفق نبوده‌اند ولی هدف مستند ایجاد یک کار فرهنگی است نه صرفاً نمایش آن در یک جشنواره. متأسفانه جشنواره‌ها هنوز نتوانسته‌اند به این تعریف برسند. مهم‌ترین پایگاه مستند، باید تلویزیون باشد و مادامی که این اتفاق نیفتد، فایده‌ای از ساخت مستند نبرده ایم.»

### شهرام درخشان: افزایش سالیانه مشتاقان

شهرام درخشان افزوده شدن مخاطبان و فیلم‌سازان در هر دوره از جشنواره را دلیلی برای تأثیرگذار بودن آن می داند: «مدیریت جشنواره در دو دوره قبلی بسیار خوب بوده و اگر بتواند به همین روند ادامه دهد، می تواند بهتر از این هم باشد. از آنجا که این جشنواره به صورت تخصصی برگزار می شود، گزینش فیلم بدون سفارش انجام شده و می تواند مفید باشد. همه ساله مشتاقان زیادی فیلم‌هایشان را به جشنواره ارسال می کنند و مخاطبان بیشتری برای دیدن فیلم‌ها می آیند که نشان‌دهنده مفید بودن آن است.»

### پژمان مظاهری پور: حمایت از سینمای مستند

پژمان مظاهری پور، مستندساز نیز در مورد تأثیر برگزاری جشنواره‌های سینما حقیقت می گوید: «این جشنواره توانسته تأثیر مثبت و خوبی داشته باشد. به ویژه با توجه به برخورد نه‌چندان محترمانه جشنواره فیلم فجر با فیلم‌های مستند و برخورد آماتوری جشنواره جوان و رشد، جشنواره سینما حقیقت در این مورد بهتر و مطلوب‌تر رفتار کرده و هیچ‌وقت صدمه‌ای به سینما مستند ما وارد نکرده است.»

### محمد مقدم: گردهمایی مستندسازان

محمد مقدم، سازنده آثاری مانند «آینه»، «ریشه‌ها» و «تا انتهای تیره بهار» تأثیر جشنواره سینما حقیقت بر سینمای مستند را بدیهي می داند: «این تأثیر

بدیهي است زیرا زمانی که خبر خاصی در سینمای مستند نیست، برگزاری این جشنواره حتما موثر خواهد بود. ساده‌ترین دلیل آن هم فضای جشنواره است که موجب می شود، دست اندرکاران و فعالان مستند دور یکدیگر جمع شوند. وجود فضای رقابتی سالیانه هم حتما بر بالندگی جریان سینمای مستند تأثیرگذار است.»

### حسین ترابی: انتقال حقیقت

حسین ترابی، سازنده مستند «برای آزادی» هم به تأثیر این جشنواره در تثبیت و ماندگاری سینمای مستند تأکید می کند: «به‌رحال در اینکه سینمای مستند برای هر کشوری لازم و مهم است، شکی نیست. جشنواره‌ای که می خواهد از طریق سینمای مستند به حقیقت دست پیدا کند، می تواند برای رشد و توسعه این حوزه موثر باشد. سینمای مستند به تاریخ نویسی بی غل و غش می ماند و وجود جشنواره‌ای مختص نمایش چنین فیلم‌هایی می تواند در حفظ و نگهداری فیلم‌های مستند برای انتقال به نسل آینده تأثیرگذار باشد.»

### هرمز امامی: دوری از فضای اداری

هرمز امامی، دیگر مستند ساز هم یکی از حسن‌های جشنواره سینما حقیقت را دوری از ریتم اداری می داند: «جشنواره سینما حقیقت خیلی اداری نیست. خوشبختانه هنوز حس نمی شود که این حرکت وارد یک ریتم اداری شده به این معنا که برگزارکنندگان فقط به دنبال برپایی جشنواره، بدون توجه به کیفیت آن هستند و اگر همین روند ادامه پیدا کند، موفق تر می شود.»

او همچنین ارزیابی کلی از چنین جشنواره‌هایی را به یک فرایند طولانی مدت منوط می کند: «تمام حرکت‌های فرهنگی، جریان‌هایی کوتاه مدت نیستند و باید در طولانی مدت آن‌ها را ارزیابی کرد. باید سال‌ها زمان ببرد تا تأثیر واقعی جشنواره‌ها مشخص شود. به‌رحال مدتی طول می کشد تا علاقه‌مندان هر کاری با یک جشنواره آشنا شوند و متقاضیان در آن شرکت کنند، پس زمان می برد. هدف اصلی جشنواره تنها این نیست که یک عده در آن شرکت کنند ولی درکل به‌نظرم هر جشنواره‌ای تعدادی شرکت‌کننده علاقه‌مند و مخاطب را جذب می کند که تأثیر خودش را می گذارد.»

### منوچهر مشیری: استقلال سینمای مستند

منوچهر مشیری نیز تحلیل خود را از برگزاری جشنواره سینما حقیقت چنین بیان می کند: «نه تنها من، بلکه خیلی از مستندسازان می گویند، سینما حقیقت توانسته اتفاق مثبتی در جریان مستندسازی کشور باشد. ما تا به حال جشنواره مختص فیلم‌های مستند نداشتیم و این جشنواره فرصتی شد تا علاقه‌مندان و دست اندرکاران در یک فضای مناسب فیلم ببینند.»

### علی محمد قاسمی: فرصتی برای مرور مستند

علی محمد قاسمی، سازنده مستند «یادداشت بر زمین» سینما حقیقت را جدی‌ترین جشنواره فیلم‌های مستند توصیف می کند: «جدی‌ترین جشنواره‌ای که برای فیلم‌های مستند داشته ایم، سینما حقیقت است.»  
او با تأکید بر لزوم نمایش مستندها در تلویزیون، به نقش جشنواره در دیده شدن فیلم‌های مستند اشاره می کند: «تلویزیون کمتر به سراغ فیلم‌های مستند می رود اما جشنواره با تمرکزی که برای نقد و بررسی فیلم‌ها داشته است، توانسته حداقل سالی یک بار این محدودیت را کمتر کند. طی دو دوره برگزاری هم فیلم‌سازان معتبری به جشنواره دعوت شده‌اند که شاید از این لحاظ جشنواره فیلم فجر هم شاهد چنین برنامه‌ریزی نبوده است.»

هرچند در میان فیلم‌سازانی که با آن‌ها صحبت کردیم، کارگردان‌هایی چون احمدضابطی جهرمی، قضاوت در مورد جشنواره را نیازمند یک کار پژوهشی و میدانی یک ساله با مراجعه به اسناد، افراد و آثار و شواهد دانستند، اما بسیاری از فعالان سینمای مستند مهم‌ترین کارکرد جشنواره سینما حقیقت را در شرايطی که فیلم‌های مستند از نظر امکان نمایش عمومی در سالن‌های سینما و به‌خصوص تلویزیون با محدودیت روبه‌رو هستند، فرصتی برای بررسی کارنامه یک ساله مستند کشور و گردهم آمدن اهالی آن می‌دانند و به برنامه‌ریزی‌های آن برای حضور سرمایه‌گذاران و نظام مندی صنعتی آن امید بسته‌اند.

## جشنواره، نوروز مستندسازهاست

سید جواد میرهاشمی، کارگردان و پژوهشگر مستند بلند «خون است دلم برای ایران» امسال اولین حضورش را در جشنواره سینما حقیقت تجربه می کند. او سال گذشته با همین فیلم نامزد دریافت سیمرغ بلورین بهترین فیلم مستند از جشنواره فجر شده بود. مستندی که نگاهی دارد به زندگی و آثار دکتر منوچهر ستوده؛ استاد تاریخ، جغرافیا و ادبیات ایران در آستانه یک صد سالگی ایشان.

### پریچهر باقری

ایده فیلم چگونه شکل گرفت، از قبل استاد ستوده را می شناختید؟ یک سعادت و توفیق اجباری بود. اول قرار بود مستندی درباره قلعه رودخان بسازم. یک سال تحقیق کرده و منبع هم کتابهای دکتر ستوده بود. یک روز قبل از زمان امضای قرارداد - جمعه غروبی بود - دیدم مستندی با همین مضمون از شبکه چهار در حال پخش است. باورم نمی شد، معترض به مرکز رفتم و جریان را تعریف کردم و گفتم فیلم نمی سازم. آن ها هم گفتند فیلم را به ما نشان بده. نسخه ای از آن فیلم تهیه کردم و به مرکز دادم، آن ها هم گفتند حالا که صادق بودی این فیلم را نساز. برو سراغ نویسنده اثر.

### ساخت فیلم چقدر طول کشید؟

یک سال و هشت ماه. در فیلم تنوع تصویری زیاد داریم. از تهران و قزوین و قلعه الموت و قلعه رودخان تا کوشک و کلاردشت به اضافه تصاویری آرشیوی از شیراز. بهانه مان هم دکتر ستوده است که تمام ایران را زیر پا گذاشته است.

### از حاصل کار راضی هستید؟

مادر و پدرم می گویند تو که دو سال زحمت می کشی، لااقل یک سوپرستار را بیار در فیلمت بازی کند. مستند پرتره خیلی سخت است. انگار باید اتفاقی بیفتد تا دیده شود. برای من افتخار است که یک ساعت پیش با دکتر ستوده تلفنی صحبت کردم و قرار است جمعه در سالن یک سینما فلسطین با هم فیلم را ببینیم. الحمدلله خیلی هم سر حال بودند.

به عنوان فیلم ساز فکر می کنید، جشنواره سینما حقیقت چه تاثیری در سینمای مستند ما داشته است؟

واقعا تنها جایی است که سینمای مستند به صورت اختصاصی دیده می شود. ما جشنواره هایی مثل فجر، رشد و سینمای جوان و فیلم کوتاه را داریم که سابقه شان خیلی بیشتر از جشنواره سینما حقیقت است اما از نظر نمایش فیلم مستند، جشنواره سینما حقیقت تخصصی تر است. برای مستندسازان مثل عید نوروز است پر از دید و بازدید. تلویزیون هم که معیارهای خودش را دارد و فیلم های ما را پخش نمی کند. البته برنامه مستند ۴ خیلی خوب است. اما تنها جای عرضه همین جشنواره است. اگر نمایش فیلمی را در این جشنواره از دست بدهیم دیگر امکان دیدنش را نداریم، چون فیلم ها به عنوان موضوعیت در جشنواره های دیگر قابل پخش نیست از این نظر سینمای مستند واقعا مظلوم واقع شده، مگر در سینما تک چقدر به مستند پرداخته می شود. باید چقدر پافشاری کنیم تا هفته ای یک سانس داشته باشیم تازه آن موقع هم خودمان فیلم های هم را می بینیم.

### تا به حال چند نمایش داشتید؟

در جشنواره فجر سه یا چهار بار. همین طور در نکوداشت دکتر ستوده، فیلم را با حضور ایشان و دوستان دانشگاهی ام دیدیم. سوژه فیلم بعدی ام هم استاد باستانی پاریزی است. خیلی از دانشجویان گروه ادبیات و تاریخ دوست دارند فیلم را ببینند اما یک بار دانشگاه تهران نگفت بیا یک روز فیلمت را در دانشگاه نمایش بده، خودم باید بروم درخواست کنم، مجوز اکران بگیریم و... در حالی که من فیلم سازم. می خواهم فیلمم را بسازم نه

این که دنبال کارهای اداری نمایش فیلم بدوم. «تهران انار ندارد» یک استثنا بود. در جشنواره آوینی تنها فیلم سازی بودم که فیلم هایم «هزار و یک نام» و «خون است دلم برای ایران»، جز ۷۲ فیلم برتر دوسالانه شد؛ اما هیچ کدام نمایش عمومی نداشت. نمی گویم تکثرگرایی کنیم، اما همین جشنواره هایی را که داریم، شکوهمند برگزار کنیم و به سر منزل مقصود برساییم، طوری نباشد که فقط سانس ها را پر کنند. مثلا در جشنواره فیلم کوتاه برای این که یک باکس ۹۰ دقیقه ای را پر کنند یک سانس انیمیشن می گذارند، یک سانس داستانی و یک سانس مستند. اما ای کاش سه روز اول یا مثلا دو سانس اول، داستانی بود تا من علاقمند به مستند هم بتوانم برنامه ریزی کنم و فیلم های دلخواهم را ببینم. البته امسال یکی از مزیت های جشنواره سینما حقیقت این است که به سه بخش کوتاه، نیمه بلند و بلند تقسیم شده است.

### سرمايه فیلم را چطور تامین کردید؟ با مشکل مواجه نشدید؟

تهیه کننده اصلی فیلم مرکز گسترش است اما بخشی از سرمایه را هم خودم تقبل کردم. معاونت فرهنگی هم خیلی همکاری کرد. برای فیلم تازه ام هم فیلم برداری را قبل از قرارداد شروع کردم. اساتید یا همان جوانان دیروز در ابتدا به ما اعتماد ندارند، از طرفی وقتی اعتمادشان جلب شد، همه رازها را می گویند که در راس ها ضبط می شود. درست است که فیلم در مرکز گسترش آرشیو می شود ولی به راحتی در دسترس عموم قرار نمی گیرد. فیلم قبلی من «هزار و یک نام» که درباره اسم هاست، بعد از کلی تقدیر فقط دو نوبت پخش داشت، همیشه ۵-۶ کپی از آن را در کیفم دارم تا هر جا موقعی دست داد، فیلم را پخش کنم. مستند ساختن خیلی سخت است و فیلم سازهای سینمای مستند به معنی واقعی کلمه سخت کوشند. جایی خواندم، سینمای مستند مغز سینمای داستانی است، یعنی تا سینمای مستند پویایی نداشته باشیم سینمای داستانی راه نمی افتد.





قرار است مستند گنجینه تفلیس به زودی از شبکه یک سیما پخش شود. سعید نبی به همراه دیگر مستند سازان کارگردانی این مجموعه را عهده‌دار است. او در عرصه سینمای مستند تاکنون فعالیت‌های زیادی داشته و مجموعه تالاب انزلی و اقوام ایرانی را برای شبکه چهار سیما کار کرده است. علاوه بر این در جشنواره‌های معتبر جهانی مانند جشنواره بین‌المللی تلویزیونی و جشنواره جهانی محیط زیست جوایز متعددی را از آن خود کرده‌است. فیلم زیر صفر (مستند بلند) را از او در جشنواره می‌بینیم.

### الهام نداف

چرا سراغ قشر کارگر رفتید؟ فیلم‌هایی که با چنین مضامینی کار شده‌اند، کم نیستند. زیر صفر مضمونی انسانی در حوزه کارگری را مطرح می‌کند. سعی کردم با دید دیگری به این فیلم نگاه کنم و در واقع به درون این طبقه از جامعه بروم. یک جورهایی به طبقه کارگر احساس ادای دین می‌کردم و به دنبال راهی بودم که دینم را به آن‌ها ادا کنم. به‌ویژه که تصور می‌کنم، سینمای مستند هم چنان بدهکار این قشر از جامعه است. فیلم‌های زیادی در این حوزه ساخته شده و به نظرم دلیلش این می‌تواند باشد که مردم جامعه ما کارگران را خیلی خوب می‌شناسند. جامعه‌شناسی قشر کارگر جامعه‌شناسی گسترده‌ای است که همه جا پیچیده و به خاطر همین هم درصد همذات‌پنداری با این قشر از جامعه بالاست.

البته شما به گروه خاصی از کارگران پرداخته‌اید، انجمن متخصصین کفش. چرا این گروه را انتخاب کردید؟

ما ابتدا فیلم را برای انجمن متخصصین حوزه کفش و حوزه هنری ساختیم اما زمانی که وارد واقعیت‌های این حوزه شدیم و مشکلاتی که کارگران با آن‌ها مواجه هستند، هم حوزه هنری کنار کشید، هم انجمن متخصصین کفش ایران. من دوره چهار ساله‌ای را ملاک قرار دادم که در این دوره، یعنی از سال ۸۴ تا ۸۸ بیشترین لطمه را در تولیدات کفش داشتیم. فیلم یک‌ساله برای نمایش مشکل داشت، واقعا خوشحالم که بعد از مدت‌ها در جشنواره سینما حقیقت دیده‌می‌شود.

مشکلی در مدت ساخت فیلم پیش نیامد؟

## سعید نبی: فیلم تاثیر خودش را می‌گذارد

### اعظم نجفیان: روایت سکوت قانون

اعظم نجفیان به طور رسمی از سال ۶۷ فعالیت هنری‌اش را از انجمن سینمای جوان آغاز کرد. داستانی شالیزه و امواج از مطرح‌ترین فیلم‌های اوست. فیلم بعدی‌اش مستندی درباره آثار مخرب بمباران شیمیایی است. نجفیان برای اولین بار با موضوعی علمی که تبعات اجتماعی بسیاری دارد و با فیلم «رحم جایگزین» در جشنواره سینما حقیقت شرکت کرده است.

دست روی موضوع حساسی گذاشتید.

این فیلم به سفارش پژوهشگاه ابن‌سینا و مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی ساخته شد. دو سال پیش سمیناری با محوریت رحم جایگزین برگزار شد که به خاطر آن سفارش ساخت این فیلم را به من دادند. البته چنین موضوعی برای خودم هم جذابیت زیادی داشت و بیشتر از این‌ها جای کار دارد. قرار بود فیلم را برای نمایندگان مجلس هم نمایش بدهند که تا حالا میسر نشده‌است.

فیلم شما در کنار گفت‌وگوهایی که با متخصصان این حوزه داشتید، داستانی را هم تعریف می‌کند، چرا فقط به گفته‌ها و اطلاعات مستند بسنده نکردید؟

مساله رحم جایگزین سال‌هاست در ایران انجام می‌شود اما قانون هم چنان در برابر این مساله و مشکلات پیرامونش سکوت کرده‌است. می‌دانید بعد از تولد نوزاد، شناسنامه را به نام مادری که او را به دنیا آورده می‌گیرند، با توجه به این‌که سال‌هاست از رحم جایگزین در ایران استفاده می‌شود اما هنوز قضیه شناسنامه را حل نکرده‌اند. برای ساخت چنین فیلمی ما باید با مادرانی که به هر دلیلی نمی‌توانند جنین را در رحمشان نگاه‌دارند و خانم‌هایی که این مسئولیت را عهده‌دار می‌شوند، صحبت می‌کردیم اما هیچ‌کدام از آن‌ها حاضر به همکاری نشدند و این مساله به اندازه کافی برایشان دردناک بود، به همین خاطر سعی کردیم، داستانی را با کمک بازیگر در کنار گفت‌وگوها پیش ببریم.

در کل دست گذاشتن روی چنین موضوعی مشکلات خاص خودش را داشت. ورود به حوزه کارگری چندان آسان نیست. در واقع ما در وهله اول ما می‌خواستیم محدودیت‌ها را پشت‌سر بگذاریم، و بعد به عنوان یک سند تاریخی کار مصور چهار ساله‌مان را ثبت کنیم. فکر می‌کنیم اتفاقات ریز و درشتی که این سال‌ها می‌افتد، بعدها می‌تواند چیزی از تاریخ به حساب بیاید.

فیلم‌نامه مدونی داشتید، یا این‌که در جریان ساخت فیلم‌نامه نوشته شد؟

فیلم‌نامه تنها چیزی بود که در طول ساخت به آن وفادار بودیم. فیلم‌نامه را به همراهی آقایان سید ناصر هاشمی و حسن محمودی نوشته بودم. البته بخش‌هایی از فیلم به خاطر درون‌گرا بودنش دچار تغییراتی شد اما ماهیت اصلی آن همان چیزی بود که از ابتدا برنامه‌ریزی کرده بودیم.

نمره قبولی فیلم زیر صفر از نظر خودتان چند است؟

برای ساختن این فیلم حدود سه سال تحقیقات میدانی کردم و یک سال نیم هم کار ساخت آن طول کشید. خانم‌ها ایده ضمیری ۶ ماه کار تدوین فیلم را انجام دادند. با همه این‌ها به نظرم زیر صفر کار رئالی است که بدون درام تاثیر خودش را می‌گذارد.

شما در بیشتر کارهایتان یا به قشر کارگر می‌پردازید یا موضوع محیط زیست را مطرح می‌کنید، علاقه‌ای به این دو حوزه خاص دارید؟

بیشتر می‌خواهم، نشان بدهم، انسان چطور خودش را نابود می‌کند. به نظرم هر دو این موضوع‌ها مرتبط با هم هستند و در عین حال هر دو سادگی خاص خودشان را دارند. انسان با کار زیاد و لطمه زدن به محیط زیست کم‌کم با دست خودش، خودش را نابود می‌کند.

# حکایت مرد ۱۰۲ ساله‌ای که شمر خوانی می‌کند

روز پایان، حکایت يك شمرخوان ۱۰۲ ساله است که هنوز روزهای عاشورا، سوار بر اسب می‌شود و داستان راهب نصرانی را اجرا می‌کند، اهالی روستا همراهی‌اش می‌کنند. نرگس آبیاری که به مراسم مذهبی استان یزد علاقه دارد، از این شمرخوان و ماجرای ساخت مستندی درباره او می‌گوید.

سارا امت‌علی



## سعید زارعیان: جشنواره را باید به فال نیک گرفت

سعید زارعیان با وجود این‌که در رشته علوم انسانی تحصیل کرده است اما از سال ۱۳۷۵ با انجمن سینمای جوان همکاری داشته و به صورت تجربی وارد عرصه سینما شده است. تجربه ساخت فیلم‌هایی چون نقطه سر خط، برای کمک و فرار از موصل را دارد و با مستند کوتاه «کاریز» در جشنواره شرکت کرده است. زارعیان این روزها مشغول ساخت مستندی در مورد بلندترین قنات ایران است.

ساختن فیلم در اعماق قنات چقدر برایتان جذابیت داشت که سراغ چنین موضوعی رفتید؟

تحقیقات زیادی در مورد قنات‌های ایران و به‌خصوص سه قنات مهریز، ميبید و قنات قاسم‌آباد انجام دادم. فیلم هم درباره این سه قنات است که هرکدام به نظرم جذابیت‌های خاص خودش را داشت.

این سه قنات چه ویژگی‌هایی دارند که نظر شما را جلب کردند؟

در قنات مهریز کارهای کفشکنی انجام می‌شود و چون سطح آب پایین رفته، سطح قنات را هم پایین می‌برند، قنات ميبید هم به‌خاطر جاری شدن سیل پر شده که دارند، آب داخلش را تخلیه می‌کنند و در نهایت بعد از صد سال در قنات قاسم‌آباد را باز کردند و به‌خاطر جرم‌زدایی که گرفته‌است، می‌خوانند سطح آن‌را جرم‌گیری کنند. اگرچه کسی سراغ چنین موضوعاتی نمی‌رود، اما به تنهایی موضوعات جذابی است.

با توجه به این‌که فیلم‌برداری باید داخل قنات‌ها انجام می‌شد، آسیبی گروه را تهدید نمی‌کرد؟

خوب خطر که زیاد بود، جالب است بدانید، عمق این قنات‌ها ۴۰، ۶۰ و ۴ متر بود و ما تا انتهای این قنات‌ها پایین رفتیم و بیش از ۱۵ روز کارمان همین بود. این کار آن‌قدر هیجان‌انگیز و رعب‌آور بود که فیلم‌بردارمان، بیشتر از یک روز نتوانست با گروه همراهی کند. البته برای خطرات احتمالی با آتش نشانی و شرکت‌های بیمه صحبت کردم که شاید درصد خطرات را به‌واسطه همکاری و همراهی این سازمان‌ها کاهش دهم، اما متأسفانه هیچ شرکت بیمه‌ای حاضر به همکاری نشد. از آتش‌نشانی هم به خاطر پایین رفتن از قنات، کمک خواستم که آن‌ها هم مفتی‌های قدیمی را پیشنهاد دادند و گفتند اگر کسی در چاهی سقوط کند ما از تجربه آن‌ها استفاده می‌کنیم.

با تمام مشکلاتی که برای ساخت فیلم داشتید، فکر می‌کنید نمایش کاریز در جشنواره سینما حقیقت چقدر از زحماتتان را جبران می‌کند؟

سینمای مستند در ایران جایگاهی ندارد. به نظرم برگزاری هر جشنواره‌ای که آثار مستند را نمایش می‌دهد، باید به فال نیک گرفت. چون تنها آرزوی همه هنرمندان، دیده‌شدن آثارشان است.

این پیرمرد ۱۰۲ ساله را که هنوز شمرخوانی می‌کند، از کجا پیدا کردید؟ از مدت‌ها پیش درباره مراسم سنتی در استان یزد تحقیق می‌کردم و با مراسم گوناگون در شهرهای مختلف یزد آشنا بودم، در جریان همین تحقیق‌ها او را به من معرفی کردند، من هم درباره‌اش تحقیق کردم و به این نتیجه رسیدم که باید در این مورد فیلم بسازم.

شخص شمرخوان مورد توجه است یا مراسم اجرای روایت راهب نصرانی؟

ابتدا تصمیم داشتم يك روایت هرمنوتیکی درباره او که شمرخوانی می‌کند داشته باشم، زیرا در هر بار اجرای او با روایتی متفاوت از این ماجرا روبه‌رو می‌شویم، علاوه بر این در گفت‌وگو با مردم روستا متوجه شدم، هرکدام از آن‌ها برداشت خود را از این داستان دارند. به همین دلیل بود که می‌خواستم با نگاهی تفسیری، از برخورد اهالی این روستا با مراسم شمرخوانی و روایت راهب نصرانی يك فیلم مستند بسازم.

این امر محقق شد؟

نه، متأسفانه به دلیل حساسیت‌هایی که وجود دارد، امکان چنین پرداختی میسر نشد و تنها خود شمرخوان که در سن ۱۰۲ سالگی هنوز در مراسم عاشورا سوار بر اسب می‌شود و شمرخوانی می‌کند و مردم روستا هم به‌طور خودجوش هر سال این روایت را اجرا می‌کنند، محور فیلم مستند قرار گرفت.

پس از این‌که رویکردتان به موضوع تغییر کرد، در شیوه پژوهش هم تغییر ایجاد کردید؟

بله، اگر می‌خواستیم به همان شیوه تفسیری به موضوع بپردازیم به مجموعه اطلاعات و مصاحبه‌های بسیاری احتیاج داشتم، باید مقوله را ریشه‌یابی می‌کردم و می‌فهمیدم خاستگاه این روایت‌ها کجاست اما وقتی دست گذاشتم روی الهام‌ها و نوع برگزاری مراسم و خود شمرخوان، ماجرا متفاوت شد. درباره نوع بازسازی مردم بگوئید.

نکته جالب این است که اهالی روستا به‌طور ناآگاهانه بازسازی پست‌مدرنی از این واقعه دارند، آن‌ها به شیوه‌ای خودجوش الهام‌های کهن و معاصر را با هم تلفیق می‌کنند و به شیوه‌ای جالب برای روایت این واقعه می‌رسند.

پیش از این در مستند دیگری به نام «يك روز پس از دهمین روز» باز هم به واقعه عاشورا پرداخته بودید، قصد دارید يك سری کار در این باره بسازید، یا ساخت این دو فیلم اتفاقی بود؟

يك روز پس از دهمین روز مسأله عاشورا در حاشیه است اما در این فیلم، عاشورا در بطن ماجراست. هرچند اگر مجال باشد، باز هم دوست دارم در این حوزه کار کنم، به‌خصوص که مراسم عاشورا در یزد با سنت‌های بسیاری همراه است که آن‌ها را خوب می‌شناسم.

فکر می‌کنید جشنواره سینما حقیقت چه دست‌آوردی برای سینمای مستند ایران دارد؟

این جشنواره تنها روزنه امید برای مستندسازان است که کارهایشان دیده نمی‌شود.



## قدرت باقری: انگار برای کمبود وقت و امکانات راه‌حلی وجود ندارد

تاکنون فیلم‌های زیادی با محوریت قرار دادن نخل‌های جنوب ایران ساخته شده است اما این بار قدرت باقری سرگذشت نخل‌های استان ایلام را در مستند کوتاه «درخت زندگی» روایت می‌کند. عمده فعالیت‌های این فیلم‌ساز معطوف به حوزه نمایش است و در تجربه‌هایی که در زمینه فیلم کوتاه داشته، دست روی فرهنگ و آداب و رسوم رایج در استان ایلام گذاشته است.

### الهام نداف

نام فیلم آن‌قدر برای من آشنا بود که احساس کردم، آن‌را در چند جشنواره دیگر هم شرکت داده‌اید.

نخل قابلیت زیادی برای ساخت مستند دارد و تا حالا فیلم‌های متعددی با این مضمون ساخته شده‌اند. زمانی که م برای تحقیقات در اینترنت جست‌وجو می‌کردم، با عنوان "درخت زندگی" زیادی برخورد کردم. همیشه تصویر نخل برای من زیبا بود و فکر می‌کنم این زیبایی و احساسی که از آن ناشی می‌شود، به مقدسات ما برمی‌گردد. در استان ایلام امام‌زاده‌ای وجود دارد که تمام نخلستان‌های این منطقه وقف آن شده‌است. همه این احساسات و آن امام‌زاده و نخلستان‌های زیبا و بی‌انتهای استان ایلام، انگیزه ساخت این فیلم را به من داد. اما جشنواره سینما حقیقت، اولین جشنواره‌ای است که فیلم را در آن شرکت می‌کند.

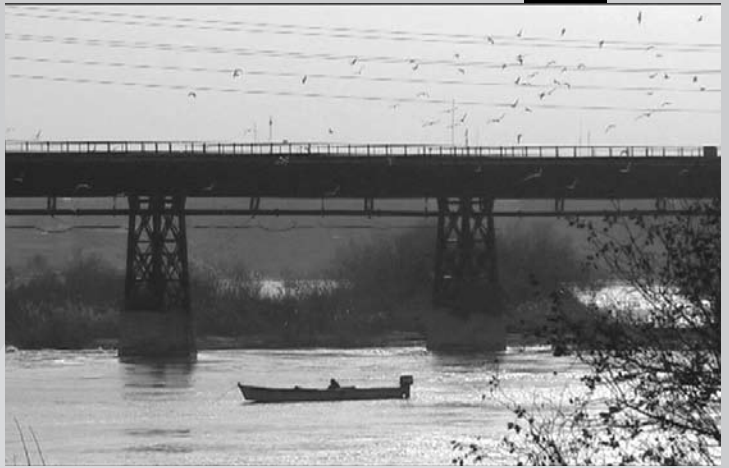
عمده تصویربرداری‌تان در کدام منطقه بود؟

دوست دارم این را به شما بگویم که اگر جنگ تحمیلی اتفاق نمی‌افتاد، مهران دست کمی از استان خوزستان نداشت. آن‌قدر قابلیت‌های این منطقه

زیاد است که نیاز نبود، سراغ استان خوزستان برویم اما به دلیل شرایط جوی و اقلیمی مجبور شدیم، بخش‌هایی از تصویربرداری را در استان خوزستان انجام بدهیم.

شما که فیلم‌های کوتاه مستند و داستانی زیاد ساخته‌اید، عمده مشکلی که باعث سنگ اندازی در روند تولید فیلم‌ها می‌شود را چه می‌دانید؟ کمبود وقت و امکانات دو مشکلی است که انگار اصلا راه‌حلی برایش وجود ندارد. فکر می‌کنم اگر امکانات مالی در اختیار فیلم‌سازان جوان و مستعد آن‌هایی که امتحانشان را به‌خوبی پس داده‌اند قرار بگیرد، سطح آثار تولیدی آن‌ها خیلی بهتر از آن چیزی می‌شود که حالا هست. جشنواره سینما حقیقت می‌تواند چه میزان از نیازهای شما را برآورده کند؟

نفس بریایی چنین جشنواره‌ای به‌خودی خود خوب است. ما راضی به یک بار نمایش فیلم‌هایمان نیستیم اما یک بار نمایش بهتر از هرگز نمایش ندادن است.



بود و بزرگ‌ترین چیزی که از آن‌جا در ذهنم جای گرفته، خط لوله‌هاست. ابتدا قصد داشتم مسیر خط لوله را پی بگیرم و حکایت نفتی را بگویم که از ایران به ناکجا آباد می‌رود اما امکان ساخت چنین اثری فراهم نشد. بعد از آن در مسجدسلیمان، روستایی را دیدم که به دلیل وجود گازهای ترش آن را تخلیه کرده بودند، اهالی این روستا حتی نمی‌توانستند، سیگار بکشند، این هم موضوع دیگری بود که به نوعی می‌خواستم با طنز آمیخته‌اش کنم، به نظرم این‌که مردم در جایی زندگی کنند که تنفس در آن باعث مسمومیت می‌شود و حتی نمی‌توانند آتش روشن کنند، طنز تلخی است. اما باز هم امکان فیلم‌برداری فراهم نشد. با این وجود پرداختن به مشکلات خوزستان به‌عنوان ثروتمندترین استان ایران که بیش از هشتاد درصد منابع ایران را در خود جای داده است، همیشه از دغدغه‌هایم بود. این‌که مردمان این دیار هنوز آب شیرین برای آشامیدن ندارند و با هزار و یک مشکل دیگر دست و پنجه نرم می‌کنند. در جریان همین تجسس‌ها و رفت و آمدها بود که به نفت سفید رسیدم، جایی که نفت سفید تصفیه شده، بدون نیاز به حفاری از کنار نهرهای آب آن بیرون می‌زند، می‌خواستم جایی را نشان دهم که آدم‌هایش نمی‌توانند از ثروتی که در کنارشان هست، بهره ببرند.

روند پژوهشی این فیلم چه طور طی شد؟

سال‌ها با شرکت نفت برای غواصی در سکوها نفت همکاری می‌کردم، به همین دلیل با منطقه و تاریخ آن آشنایی داشتم. از ابتدا تا پایان کار، حدود یک سال و نیم طول کشید. منابع من عموماً از بستر خود قضا یا بود، به عکس‌های قدیمی و منابع مکتوب شرکت نفت هم دسترسی داشتم و اطلاعات مورد نیاز را از این طریق استخراج کردم.

شبهه روایی داستان چگونه است، از منظر زندگی یک شخص به ماجرا پرداخته‌اید یا نگاهی کلی داشتید؟

مشکلات روستا داستان کلی‌تری است، به زندگی یک یا دو فرد خاص نپرداخته‌ام، تمام صحبت‌های آدم‌هایی که در این فیلم حرف می‌زند، تلنگری است برای جلب نظر مخاطب به مشکل وسیع‌تر و عمیق‌تری که نه فقط روستای نفت سفید که تمام ایران دچار آن است. علاوه بر این جزیی دیدن و پرداختن به یک یا دو نمونه خاص از اهالی این روستا یا پرداختن تنها به یکی از مشکلاتی که اهالی این روستا با آن درگیر هستند، مستلزم عبور از خط قرمزها بود که در نهایت فیلم را به ورطه سانسور می‌کشاند. در پس این فیلم شانزده دقیقه‌ای، داستان‌هایی وجود دارد که ناگفته مانده اما روند فیلم به گونه‌ای پیش رفته که مخاطب تمام ناگفته‌ها را دریابد. این فیلم قبلاً «ایران کوچک» نام داشت و پاره‌ای مشکلات باعث شد نام آن را به دهکده جهانی تغییر دهم اما هنوز هم معتقدم نفت سفید، نمادی از ایران است.

نکته‌ای درباره سینمای مستند ایران وجود دارد؛ به دلیل کمبودها و بی‌توجهی‌ها بخش عمده مستندهای پرشماری که هر سال در ایران ساخته می‌شود، فرصتی برای ارتباط با مخاطب ندارند، یعنی به هدف اصلی‌شان نمی‌رسند اما با این وجود می‌بینیم هر سال مستندسازان بیشتری با انرژی قابل توجهی به کار ادامه می‌دهند. چه انگیزه‌ای است که مانع دلسردی شما می‌شود؟

هنر بی‌مرز است، نمی‌توان برای آن مرزی مشخص کرد، برای خلق هنری نمی‌توان منتظر کمک، توجه یا حمایت‌های دولتی ماند. من به عنوان یک مستندساز، فیلم نمی‌سازم که تنها در ایران دیده شود، می‌سازم که دنیا آن را تماشا کند. معتقدم همین محدودیت‌ها در عین این‌که دست و پای آدم را می‌بندد، خلاقیت هم می‌آورد و ذهن من مستندساز را به حرکت وامی‌دارد. این‌که همچنان فیلم می‌سازیم، به این دلیل است که نگاهمان و انگیزه‌مان فراملی است، به هر حال این راهی است که من و بسیاری مثل من انتخاب کرده‌ایم و دلمان می‌خواهد در آن پیشرفت و تجربه کنیم.

همچنان می‌خواهید به ساخت فیلم درباره جنوب ایران ادامه دهید؟

از آن‌جا که از شانزده سالگی برای غواصی به این منطقه می‌آمدم، به جنوب ایران حس خاصی دارم و مستندهای بعدی‌ام هم درباره همین منطقه خواهد بود. در این نقطه از ایران آن‌قدر مشکلات و مسایل متعددی وجود دارد که دیده نشده و می‌خواهم با کارهای بعدی‌ام که امیدوارم ماندگارتر و بهتر از نفت سفید باشد، این مسایل را بازنمایی کنم.

جنوب ایران، منابع عظیم آن و فقری که با وجود برخورداری از طلای سیاه در بزرگ‌ترین شهرهای آن چشم را می‌آزارد، مهم‌ترین دغدغه امیر جغتایی است. کارگردانی که با «حباب سرد»، فیلمی در همین باره، جایزه بهترین فیلم‌برداری دومین جشنواره سینما حقیقت و دیپلم افتخار جشنواره فیلم فجر را به دست آورد. او این بار با «دهکده جهانی» به جشنواره آمده، این مستند به روستای نفت سفید نگاه می‌کند، جایی که به گفته جغتایی در هر خانه‌اش صد سال است که مشعلی می‌سوزد، از گازی که بدون حفاری از زمین بیرون می‌زند و نفت سفید تصفیه شده، قطره قطره از کنار نهرهایش بیرون می‌آید.

سارا امت علی

از دهکده جهانی بگویند و روستایی که مصداق آن است.

صدسال پیش، وقتی انگلیسی‌ها به ایران آمدند، اولین نقطه‌ای که به آن پا گذاشتند، همین روستا بود و حکایت کشف نفت و گاز در ایران هم از همان زمان آغاز شد. در هر کدام از خانه‌های این روستا یک مشعل هست که از صدسال پیش تا الان می‌سوزد. این روستا که نامش نفت سفید است، منابع عظیمی دارد اما اهالی آن در شرایط بسیار بدی زندگی می‌کنند.

کدام ویژگی بارز این روستا، برای ساخت فیلم مجابتان کرد؟

مفهوم فقر و ثروت و این‌که این دو مفهوم متضاد این‌طور کنار هم جا گرفته‌اند، مردم این روستا یک ذره هم به منابع عظیم و ثروت هنگفتی که زیر پایشان است، نگاه نمی‌کنند و زندگی برایشان طوری طراحی شده که درگیر مسایل دیگر شوند، ارتش در حال تخریب خانه‌هایشان است و پیرمردان ۹۰ ساله برای امرار معاش باید در معدن سنگ، کار کنند. همه این‌ها در کنار هم انگیزه ساخت مستندی درباره نفت سفید بود.

چه طور به این روستا رسیدید؟

از سال‌های گذشته، به دلیل این‌که به غواصی در آب‌های جنوبی ایران مشغول بودم، جنوب ایران و به‌خصوص استان خوزستان مسیر همیشگی‌ام

## امیر جغتایی: قصه روستایی که در هر خانه‌اش مشعلی صدساله می‌سوزد



دهکده جهانی

## ایجاز در مسیر تأثیرگذاری

سحر عصر آزاد

مستند "دهکده جهانی" ساخته امیر جغتایی توانسته به گونه‌ای موجز تناقض موجود در شرایط حال روستای نفت سفید را به تصویر بکشد. روستایی که نفت سفید تصفیه شده و گاز خودجوش دارد اما ساکنانش به علت نبود امکانات آن را ترک کرده‌اند. با توجه به اینکه شرایط خاص روستا مساله زمان حال آن‌ها است، فیلم‌ساز برای پرداختن به موضوع تکیه خود را بر حرکت در گوشه و کنار روستا و به تصویر درآوردن شرایط موجود قرار داده‌است.

روستایی انباشته از لوله‌های گاز و نفت که بر بستری از طبیعت سبز خودنمایی می‌کنند. نفت و گازی که حتی نیاز به حفاری ندارد اما به علت بی‌بهره ماندن اهالی از این ثروت زمینی، روستا مهجور، مخروبه و خالی از سکنه مانده است. این شرایط وقتی می‌تواند زبان‌گویای حال و روز روستا باشد که گفت‌وگو با اندک اهالی باقیمانده مکمل تصاویر ثبت شده شود. افرادی که یا از فرط کهولت سن میل به مهاجرت ندارند یا ناگزیر به ماندن هستند اما مطالبات خود را از زمین و روستایشان ندارند. اشاره به دعوای قدیمی بین شرکت‌های بزرگ که از گذشته تا به حال بر سر نفت و گاز روستا بوده و همچنان باقیست، یکی دیگر از نکاتی است که در گفت‌وگو با اهالی باقیمانده طرح می‌شود.

فیلم‌ساز برای به تصویر درآوردن و ثبت امکان بالقوه‌ای که در این منطقه وجود دارد، شب روستا را نیز به تصویر کشیده که تضاد میان محرومیت موجود با آنچه طبیعت در اختیارشان داده علامت سوال را متوجه چرایی این وضعیت می‌کند. فیلم‌ساز با توجه به این‌که پرسش را در راستای تصویری واضح از شرایط ترسیم شده، ایجاد می‌کند، به جای حرکت بر مسیری از تکرار مکررات - که می‌توانست تأثیر ایجاد شده را بر هم زند - ایجاز را ارجح دانسته است. فیلم در مدت زمان ۱۶ دقیقه می‌تواند مساله محوری خود را به خوبی برای مخاطب طرح کرده و پرسش‌های ایجاد شده را بسط دهد. در پایان قطاری که از روی پل رودخانه عبور می‌کند، علامت‌های سوال و گلابه‌های اهالی را با خود به جایی می‌برد که شاید گوش شنوایی پیدا شود.

مورد تایید است

## تمرین الکن دموکراسی

مازیار فکری ارشاد

«مورد تایید است» ساخته محمد جمشید مجردی، مستندی جمع‌وجور درباره انتخابات شورای دانش آموزی مدرسه‌ای در مشهد و روند کاندیداتوری و تایید صلاحیت دانش‌آموزان، سخنرانی‌ها و مناظره‌های انتخاباتی و تبلیغات و سرانجام نتیجه نهایی انتخابات است. فیلم از ورای بررسی روند انتخابات ساده شورای دانش آموزی یک مدرسه، مدام سعی در تعمیم دادن موضوع به کلیت جامعه و نمایش به اصطلاح مشتی نمونه خروار دارد.

روند ساده تایید یا رد صلاحیت داوطلبان، شیوه‌های ابتدایی تبلیغات نامزدهای تایید صلاحیت شده، وعده‌های نامزدها که اغلب غیرممکن و گاه محال به نظر می‌رسند، تخریب رقبا و حتی طعنه‌زدن به چند شغله بودن برخی از نامزدهای منتخب به شیوه‌ای نه چندان نوآورانه در فیلم به چشم می‌خورد و کوشش فیلم‌ساز در تعمیم جامعه کوچک یک مدرسه ابتدایی به جامعه بزرگ، به وضوح ناکام می‌ماند.

مورد تایید است از جمله مستندهایی است که با چینش و نصب چند موقعیت رئالیستی در کنار یکدیگر، می‌خواهد نتیجه مورد نظر خود را از روند وقایع بگیرد. اما این گونه مستندهای به‌ظاهر واقع‌نما که می‌کوشند با چینش و گزینش واقعیت، نکته‌ای را در ذهن مخاطب منعکس کنند، آن‌قدر تکراری شده‌اند که دیگر به شکل کلیشه‌هایی کسالت‌بار درآمده و اگر نوآوری و زاویه دید جدیدی را به نمایش نگذارند، فاقد تأثیرگذاری لازم خواهند بود. صرف بردن دوربین در میان دانش‌آموزان و معلمان و کادر آموزشی، نکته تازه‌ای را در بر ندارد و گاه عملاً به نقض غرض منجر می‌شود. آفتی که مستند مورد تایید است هم از آن برحذر نبوده است. با دیدن این مستند پرسش اساسی به ذهن خطور می‌کند، آیا واقعا برگزاری انتخابات شورای دانش‌آموزی در یک مدرسه کوچک، نوعی تمرین دموکراسی است؟ اگر براساس مشاهداتمان از مستند مورد تایید است، بخواهیم قضاوت کنیم، راه بسیاری تا رسیدن به نقطه مورد نظر داریم.

# قلب پنهان Hidden Heart

ترجمه‌ها: رضا حسینی

نویسنده و کارگردان: کریستینا کارر، ورنر شوایزر، تصویربردار: میشل هامون، تدوین: پاتریسیا واگنر، صدا: جودلامینی، تهیه‌کنندگان: وارنر شوایزر، کارل لودویگ رینگر، استیون مارکوویتز، ۹۰ دقیقه، دی‌وی‌کم، آلمان، سوئیس، ۲۰۰۸. جشنواره‌ها و جوایز: جایزه ریل ورلد برای مستند برجسته بین‌المللی / جشنواره فیلم سولوترن، سوئیس ۲۰۰۸، مسابقه یورو داک، اسپانیا، ۲۰۰۸ / جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، تهران، ایران، ۲۰۰۹ / جشنواره فیلم ریل ورلد تورنتو، کانادا، ۲۰۰۹

دسامبر ۱۹۶۷، شبی که دنیا را تغییر داد. اولین قلب انسان با موفقیت در بندر کیپ تاون، آفریقای جنوبی پیوند زده شد، در کشوری که تبعیض نژادی در مقیاس و شدتی بیش از دیگر نقاط جهان صورت گرفت. کریستین برنارد جراح قلبی بود که این عمل را انجام داد و همیلتن ناکی او را همراهی کرد.

## درباره فیلم و سازندگان

کریستین برنارد، جراح قلب، یک شبه به شهرتی رسید که هیچ دکتری آن را در طول تاریخ تجربه نکرده است و از آن پس در شهرت و ثروتی فراوان زندگی کرد. او در نگارش بزرگ‌ترین «داستان موفقیت» پیرامون اولین پیوند قلب تنها نبود: همیلتن ناکی دیگر همراه او بود که ظاهراً نقش مهمی را در شب پیوند اولین قلب ایفا کرد، ولی بعد از آپارتاید «کشف» شد و ناگهان به عنوان قهرمانی بین‌المللی درست مثل برنارد مورد تحسین و تجلیل قرار گرفت. همیلتن ناکی که بود؟ چرا ناگهان ادعا کرد نقشی در اولین پیوند قلب ایفا کرده است؟ در دوران تیره‌وتر آپارتاید، از زمان اولین پیوند قلب تا شهرتش کجا بود؟ مستند «قلب پنهان» روایت‌گر داستان این دو مرد است و از بی‌عدالتی اجتماعی، طغیان سیاسی و... می‌گوید.

## یادداشت‌های کریستینا کارر

برای من آفریقای جنوبی مثل هر کشور دیگری نیست. از سال ۲۰۰۰ در شهر ژوهانسبورگ زندگی می‌کنم. جذابیت‌های این کشور به تدریج برای من بیشتر و بیشتر شده است و حالا فکر می‌کنم، کشور پیچیده‌ای است. تبعیض نژادی از قانون حذف شده است ولی در افکار بسیاری همچنان باقی است. خیلی از آدم‌هایی که قبلاً وضعیت نامساعدی داشتند، هنوز در شرایط مشابهی زندگی می‌کنند و رنج می‌برند. هوای آفریقای جنوبی پر از ناامیدی و خشم است و البته اشتیاق و دلیری برای بنا کردن جامعه‌ای نو. این ترکیب متضاد و پرتحرک همچنان برای من هیجان‌انگیز است. داستان همیلتن ناکی به‌طور خلاصه در بردارنده تمام این احساسات است. وقتی برای اولین بار آن را شنیدم، به‌شدت تحت تاثیر قرار گرفتم. این مرد و دستاوردهایش واقعا هیجان‌انگیز بود. خانه او در کیپ شرقی است که از مکان‌های مورد علاقه من در آفریقای جنوبی است. ساکنان این منطقه شاید فقیر باشند ولی حضور سفیدپوستان در هیچ منطقه دیگری به این اندازه کم نیست و فرهنگ سیاهان اصیل و دست‌نخورده. برای افراد این منطقه روستایی خیلی دشوار است که با وجود فقر شدید، پیشرفت کنند و به مانند ناکی به جایی برسند. از این جهت داستان و فعالیت‌های همیلتن ناکی برای من جذابیت بیشتری پیدا کرد. گزارش‌های مختلفی درباره ناکی ارایه شد ولی همه خشم‌انگیز بودند؛ تمرکز این گزارش‌ها بر اولین پیوند قلب و نقش ناکی در آن، بیش از اندازه تنگ‌نظرانه و متعصبانه بود. پیشرفت او از یک باغبان به یک دستیار آزمایشگاهی خیلی ساده و پیش‌پاافتاده ترسیم شد. از این‌رو هدف من شد ساختن مستندی درباره او، اما بدون اظهار نظر قطعی درباره نقش او در اولین پیوند قلب و البته بدون ناامید کردن تماشاگران. امیدوار بودم، تماشاگر

به قدری تحت تاثیر دستاوردهای ناکی قرار بگیرد که نقش او در اولین پیوند قلب دیگر آن قدر اهمیت نداشته باشد. من صرفاً به ناکی علاقه‌مند نبودم. برای من داستان وقتی جذابیت لازم را پیدا می‌کرد که آن را با داستان زندگی کریستین برنارد ادغام می‌کردم. این ترکیب فرصت سفری را فراهم می‌کرد به تاریخ آفریقای جنوبی. باید اعتراف کنم، هرگز نتوانستم کاملاً به ماهیت درونی دو شخصیت اصلی داستانم، ناکی و برنارد، دست یابم. همیشه بخش کوچکی از آن‌ها، اسرارآمیز و معمایی باقی می‌ماند. به هر حال از همان ابتدای کار از نظر احساسی به ناکی نزدیک‌تر بودم چون او قربانی بود؛ نمادی از ظلم و قدرانی دیر هنگام. البته این واقعیت خودبه‌خود برنارد را آدم بدی جلوه نمی‌داد. برای من مهم‌ترین موضوع این بود که با یک حس کنجکاوی روشنفکرانه به هر دو آن‌ها نزدیک شوم. به نظر من آفریقای جنوبی این تنها راه برای فراموشی همیشگی تصورات پیشین و جاافتاده بود.

## همیلتن ناکی

در سال ۱۹۲۶ در دهکده سنتانی در ترانسکی متولد شد. ترانسکی در جنوب شرقی آفریقای جنوبی قرار گرفته است و امروزه همچنان از فقیرترین نواحی این کشور محسوب می‌شود. ناکی از کودکی مجذوب اقدام‌های داخلی کوسفندانی شد که هر از چندگاه قصاصی می‌شدند. اما او به عنوان یک سیاه‌پوست در کشوری که جمعیت سیاهش مادون تعریف شده‌اند، فرصتی برای پیشرفت نداشت. مسیر زندگی او کاملاً مشخص شده بود. بعد از هشت سال مدرسه، فقط دو گزینه پیش روی او قرار می‌گرفت: دامداری یا رفتن به کیپ تاون. همیلتن راه دوم را برگزید. او در کیپ تاون به عنوان باغبان در بیمارستان گروت شور مشغول به کار شد و به تدریج و با پافشاری به عنوان دستیار در آزمایشگاه حیوانات مشغول به کار شد؛ جایی که کریستین و برادرش ماریوس قلب سگ‌ها را پیوند می‌زدند. ناکی به واسطه دقت و زیرکی خودی نشان داد و پرده از استعداد ویژه‌اش برداشت. وقتی برنارد به شهرت رسید، ناکی به کارش در بیمارستان ادامه داد و در آن‌جا راهنما و آموزگار بیش از سه هزار دکتری بود که از سراسر دنیا به کیپ تاون سفر می‌کردند تا از پیوند انجام داخلی یاد بگیرند. دستمزد ناکی افزایش نیافت و همچنان حقوق یک باغبان را دریافت می‌کرد. او در اتاقی در لانگا زندگی می‌کرد و با دستمزد اندکش ۲۴ نفر از اعضای خانواده‌اش در سنتانی را اداره می‌کرد. او سرانجام بعد از مرگ برنارد به شهرت رسید. در به رسمیت شناختن سهم وی در اولین پیوند قلب، دانشگاه کیپ تاون برای اولین بار در تاریخش مدرک افتخاری به ناکی داد که تحصیلات آکادمیک نداشت. ناکی چند سال بعد درگذشت و تنها برای مدت کوتاهی از شهرت و زندگی مرفه لذت برد.

## کریستین برنارد

در سال ۲۰۰۱ و در سن ۷۸ سالگی درگذشت. او بعد از مبارزات فراوانش علیه تبعیض نژادی، در برابر دوربین‌ها ایستاد و از استعداد و مهارت دستیارش همیلتن ناکی گفت و حتی به این موضوع اعتراف کرد که وی بهتر از او از عهده پیوند و بخیه زدن برمی‌آید. در کیپ تاون مرکز قلبی با نام او دایر است و در زادگاهش موزه‌ای برای یادبودش بنا شده است.



## سه نفر از ما Three of Us

نویسنده و کارگردان: آمش وینایاک کولکاری،  
تصویربردار: شریک بادارخان، تدوین: آحیجیت  
دشپاند، صدا: آنمول بهاو، تهیه‌کننده: موسسه  
فیلم و تلویزیون هند، تریپوراری شاران، ۱۴  
دقیقه، ۳۵ میلی‌متری، هند، ۲۰۰۸. پخش و فروش:  
موسسه فیلم و تلویزیون هند. جشنواره‌ها و  
جوایز: بهترین مستند جشنواره فیلم ویا دوکوندو  
۲۰۰۸ و جایزه بزرگ سینیه دونوی پاریس ۲۰۰۸.

مشاهده واقعبینانه یک روز عادی از زندگی یک خانواده  
غیرعادی؛ مادر آشپزی می‌کند، پدر روزنامه‌ها را  
می‌آورد و پسر با ذره‌بینی که با پایش آن را نگاه داشته،  
کاغذی را می‌خواند.



### کارگردان

متولد ۱۹۷۶. فارغ‌التحصیل انجمن فیلم و تلویزیون پیون. کولکاری تا امروز  
به خاطر فیلم‌های کوتاه و مستندهایش بارها مورد تحسین قرار گرفته است.  
او با فیلم «دستگاه چاقوتیزکن» (Grinding Machine) محصول ۲۰۰۵،  
جوایز ملی و بین‌المللی متعددی را برد. فیلم‌های او به‌شدت در فرهنگ زادگاهش  
ریشه دارند و دارای دیدگاهی که مورد توجه دنیای امروز قرار می‌گیرد.



## درو کردن خاک سترون Harvesting the wasteland

نویسنده و کارگردانان: کرولاین گریندیکر و هیلد کیاس، تهیه‌کننده:  
هیلدا اسکافتلند، ۵۸ دقیقه، ۳۵ میلیمتری، نروژ، ۲۰۰۸، جشنواره‌ها و  
جوایز: جشنواره فیلم داک پوینت، فنلاند، ۲۰۰۸، یازدهمین جشنواره  
بین‌المللی فیلم زنان در سنول، ۲۰۰۸.

سه نسل از خانواده لیکن زیر یک سقف، در مزرعه‌ای واقع در روستای  
دورافتاده لیکیا (شادمانی) در نروژ، زندگی می‌کنند. مادر شوهر و  
عروس با همکاری یکدیگر این خانواده سنتی را اداره می‌کنند، آن هم در  
شرایط و مکانی که تنها برای یکی از آن‌ها جای کافی وجود دارد.

### کارگردانان

کرولاین گریندیکر: بعد از فارغ‌التحصیلی و کسب مدرک کارشناسی در رشته  
روان‌شناسی، وارد انجمن هنر و طراحی سوری شد و در زمینه سینما تحصیل کرد. این  
مستند اولین فیلمش در مقام کارگردان است / هیلد کیاس: در دانشگاه اسلو تاریخ هنر  
خواند و با مدرک کارشناسی عکاسی از دانشگاه متروپولیتن منجستر فارغ‌التحصیل شد.  
این مستند اولین تجربه او در مقام کارگردان و تصویربردار است.

## یک کلاسیک کوچک و جمع‌وجور

فردریک و اندروپ / اسکافتلند فیلم

کرولاین گریندیکر و هیلد کیاس با کمک یکدیگر یک کلاسیک کوچک و جمع‌وجور  
خلق کرده‌اند. این مستند که وقایع‌اش در یک جامعه کوهستانی کوچک روی می‌دهد،  
تأثیر عمیقی بر تماشاگرانش می‌گذارد. مردی با مادر سالخورده و همسرش سی سال  
است که در یک خانه رعیتی زندگی می‌کنند. فیلم با صداقت و بی‌طرفی نامتعارفی به  
ترسیم کشمکش و اختلاف میان این دو زن می‌پردازد، در حالی که مرد در وسط معرکه  
قرار گرفته است. تصاویر فیلم دارای زیبایی و آرامشی هستند که به لحن و حال‌وهوای  
اثر اجازه نمود در گفت‌وگوها و فعل و انفعال‌ها می‌دهد. ناسزا و بی‌احترامی‌های آشکار  
در نبرد قدرتی که بین دو زن جریان دارد، جایی ندارد. آن‌ها به شیوه‌هایی کاملاً  
نامحسوس و زیرکانه با یکدیگر در کشمکش هستند. گوری، مادرشوهر داستان است  
که دائماً از سال‌های خوشی که با شوهر مرحومش داشته، سخن می‌گوید و عروس که  
مریت نام دارد، فکر می‌کند سال‌های زندگی‌اش را به بطلت سپری می‌کند. او بر این  
باور است که زندگی خوب به‌واسطه کارهای دشوار روزمره و خصومت‌های دیرینه  
رنگ‌باخته است. او در چنین شرایطی تصمیم می‌گیرد، از همه چیز بگریزد.

## ستایش روحیه تسلیم‌ناپذیر انسان

آمش وینایاک کولکاری قبل از «سه نفر از ما» آثار موفق دیگری  
هم در کارنامه دارد که با آن‌ها در جشنواره‌های مختلفی شرکت  
و جوایزی هم دریافت کرده است. او در فیلم جدیدش به مورد  
تکان‌دهنده‌ای پرداخته است که قبل از هر چیز، ستایشی است از  
روحیه تسلیم‌ناپذیر انسان. مستند او درباره یوجندرا چهل ساله  
است که از بدو تولد معلول است. والدین سالخورده او که چهار  
دهه از او نگهداری کرده‌اند، حالا دیگر رنجور و ناتوان شدند و  
در نگرانی آینده پسرشان به‌سر می‌برند. با این اوصاف سه قهرمان  
فیلم جدید کولکاری در زندگی‌شان ثابت‌قدم هستند و در کنار  
یکدیگر شاد و مسرور. یوجندرا همچنان بعد از اصلاح صورتش  
در آینه لبخند می‌زند و مادرش هنوز از تماشای رقص پسرش لذت  
می‌برد. پدر خانواده هم با بردباری در حالی که سوار دوچرخه  
است، از این کوچه به آن کوچه می‌رود و روزنامه پخش می‌کند تا  
هزینه‌های زندگی‌شان تامین شود. فیلم، نگاه صریح و بی‌پرده‌ای  
دارد به زندگی این سه نفر و روی این موضوع تأکید دارد که این  
آدم‌های قوی و شجاع چگونه زندگی‌شان را سپری می‌کنند. «سه  
نفر از ما» کپسوله شده مبارزه این سه است از یک سپیده‌دم تا  
سپیده‌دم روز بعد. این فیلم برای کسانی که هنر زندگی را فراموش  
کرده‌اند، درس بزرگی است.

کولکاری درباره دعوت فیلمش به جشنواره فیلم برلین می‌گوید:  
«وقتی نامه برلین را خواندم که در آن نوشته شده بود «باعث  
خوشحالی ماست که سه نفر از ما در برنامه رسمی پنجاه و هشتمین  
دوره فیلم‌های کوتاه جشنواره به نمایش درآید» همه گروه از  
خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجیدند.» او در ادامه از جریان  
تولید می‌گوید و این‌که مکان زندگی این خانواده بسیار کوچک بوده  
است: «به‌قدری فضای زندگی این خانواده کوچک است که اگر  
می‌خواستیم سه پایه را در جایی بگذاریم باید تلویزیون، یخچال،  
تخت یا وسیله دیگری را جابه‌جا می‌کردیم. با این حال آن‌ها با  
شلوغ‌کاری‌های ما کنار آمدند و صبورانه ما را تحمل کردند.»

شریک بادارخان، تصویربردار این مستند کوتاه در پایان به این  
نکته اشاره می‌کند: «در آغاز و پایان هر روز تصویربرداری،  
یوجندرا با خوشحالی با پاهایش دست‌های ما را می‌گرفت و با  
ما دست می‌داد. شیرین‌کاری‌های او با پاهایش بی‌شمار بود و البته  
درس دیگری در باب خوش‌بینی.»

این مستند در مورد «آکیرو کوروساوا» فیلم‌ساز مشهور ژاپنی است. اگرچه این فیلم در زمان ساختن فیلم «ران/آشوب» کوروساوا فیلم‌برداری شد اما این فیلم بیشتر درباره شخصیت آرام و رفتار مهربان کوروساوا است. برخی هم این فیلم را نشانه شیفتگی آشکار مارکر به فرهنگ ژاپن دانسته‌اند که به‌خصوص در فیلم sans soleil هم مشهود است.

کارگردان: کریس مارکر، فیلم‌نامه: کریس مارکر، فیلم‌بردار: ایو مارسکه، تهیه‌کننده: سرژ سیلبرمن، محصول: فرانسه، زمان: ۷۰ دقیقه

## تجلیل از یک تیم، نه یک فرد

درست مثل خود فیلم «آشوب»، مستند «آ.ک.» کریس مارکر - که در حین ساخت آشوب فیلم‌برداری شده - نوعی تمرین روشنفکری است. در خلال جست‌وجو برای یافتن اطلاعات در مورد این فیلم به این نتیجه رسیدم که طرفداران کوروساوا چندان شیوه کار مارکر را دوست ندارند. یکی از این افراد نوشته بود: «این فیلم نشان می‌دهد، چگونه می‌توان یک فیلم خوب از شاهکار فردی دیگر بیرون کشید». اما من با این نظر موافق نیستم، در واقع کریس مارکر فیلم‌برداری خودش را همزمان با فیلم‌برداری آشوب انجام داد و قبل از تدوین آن فیلم، فیلمش را تدوین کرد و برای همین نمی‌توان او را به استفاده از آن‌چه کوروساوا ثبت کرده بود، متهم کرد. البته این نکته را هم در نظر بگیرید که تهیه‌کننده هر دو فیلم (آشوب و آ.ک.) یک نفر - سرژ سیلبرمن - بود که هم تهیه‌کننده فیلم‌های ژان پیر ملویل و لوئیس بونوئل بوده و هم تهیه‌کننده فیلم‌های ماساتوهارا (که اخیراً نامش به‌عنوان تهیه‌کننده فیلم‌های ترسناک حلقه، در جهان مطرح شده است) شاید بتوان تشابهات دیگری میان دو فیلم پیدا کرد اما از دیدگاه من «آ.ک.» فیلمی کاملاً کریس مارکر است. با همان ویژگی‌های آثار او؛ توصیفی شاعرانه و جذاب و البته با چاشنی خود روایت‌گرانه از یک سوژه. کریس مارکر در میان سینماگران مستند به‌خاطر اجتناب همیشگی از شیوه‌های معمول رولبی شهرت به نظر من باید برای لذت بردن از فیلمی مثل این فیلم باید چند بار آن را دید و هر بار با دقت به تمام جزئیات آن توجه کرد. کریس مارکر در میان سینماگران مستند به‌خاطر اجتناب همیشگی از شیوه‌های معمول رولبی شهرت داشت و این فیلم هم از این قاعده مستثنی نیست. مارکر جزو آن نسل از سینماگران بود که به فرم «صدای بیرونی» تمایلی نداشتند و به دنبال «صداهایی درونی‌تر» می‌گشتند.

ژاپنی و نیز تلاش برای شناخت شخصیت این فیلم‌ساز است و البته تمجیدی از عملکرد کوروساوا نویسنده و کوروساوا کارگردان. فیلم از همان آغاز موضوع خود را آشکار می‌کند: روایت اول شخص و نشان دادن این‌که فیلم با یک دوربین ساده و یک ضبط صوت ساخته می‌شود. با شروع به کار ضبط صوت، صدای کوروساوا در مورد شیوه کارش را می‌شنویم. با این شیوه مارکر مشخص می‌کند که اگرچه ما صدای کوروساوا را طی فیلم او خواهیم شنید، اما کلام و تصاویر او این بار توسط فرد دیگری تدوین می‌شود. فیلم البته ارجاعات زیادی به سایر فیلم‌های کوروساوا و نیز زندگی شخصی او هم دارد.

می‌شود. در این فصل‌ها نبرد، صبر و حوصله، وفاداری، سرعت، اسب‌ها، باران، طلا، ساختمان‌ها، آتش، مه و کاپوس را شاهد هستیم. این تم‌ها و مضامین البته منحصر به فیلم آشوب نیستند و مشخص است که مارکر این موضوعات را در کل فیلم‌های کوروساوا ردیابی کرده است. باید گفت لذت بخش‌ترین جنبه فیلم «آ.ک.» در تصاویری است که نشان می‌دهد فضای واقعی زمان فیلم‌سازی چگونه است؛ وقفه‌ها، انتظار، کشیدن‌ها، توجه بر جزئیات بسیار کوچک در مورد لباس‌ها و طراحی صحنه و حتی وضعیت هوا و...

کشدن‌ها، توجه بر جزئیات بسیار کوچک در مورد لباس‌ها و طراحی صحنه و حتی وضعیت هوا و... شاید خواندن کتاب «در انتظار هوایی مناسب» ترویو نوآمی، در مورد چگونگی کار کردن با کوروساوا هم مثل دیدن این فیلم به شناخت کوروساوا کمک کند، سه عنوان از فیلم مارکر (صبر و حوصله، باران و مه) در این کتاب هم عیناً آمده است.

برخی از لحظاتی که در «آ.ک.» دوست دارم عبارتند از: تضاد شدید اتومبیل‌های مدرن با طراحی صحنه و دکورهای تاریخی فیلم، صبر و حوصله کوروساوا در مورد شیوه بازی تاتسو یا ناکایی و نیز تصویری فوق‌العاده از کار کردن تورو تاکامیتسو، آهنگساز فیلم، در دال مه، البته بخشی از فیلم هم تجلیل از فومیو یانوگوچی است که راوی فیلم ما را مطلع می‌کند که در زمان تدوین فیلم فوت کرده‌است (یاماگوچی در دوازده فیلم به‌عنوان صدابردار و صداگذار با کوروساوا همکاری کرد). در «آ.ک.» مارکر نه تنها از کوروساوا، بلکه از تیمی که در شکل‌گیری «آشوب» و شمار دیگری از فیلم‌های بزرگ کوروساوا نقش داشتند، تجلیل می‌کند.



آ.ک.  
A.K

ترجمه: امیر صدیقی

Masoud Farkhondeh Kish

## we do not have a data bank for researching

*Research section in our country is weak and poor, it lacks enough budgeting. You don't have to be a professional to understand that research investments are ignored in the yearly budgeting of our country. This poverty is doubled when it comes to documentary industry, very isolated in our country. Research section of Center for Expanding Experimental and Documentary Cinema, holds three workshops on research, beside the Cinema-Truth Festival. We have interviewed Masoud Farkhondeh Kish deputy of Center for Expanding Experimental and Documentary Cinema who runs these workshops.*

and anthropology” by Dr. Jalal aldin Rafifar, anthropologist in Tehran University. The second workshop is “constructing in stage, constructing on stage” by Mr. Mohammad Reza Ha’eri. The third workshop is about the interactive relationship between media and

**what are the objectives of holding these workshops?**

we have to improve our documentary makers’ knowledge. The young documentary makers should be motivated to include research some budget for the research in their works. This year’s workshops are classified into three groups:

The first workshop is “documentary

documentary by Mr. Ahmad Mir Abedini, professor of communication management.

**You mentioned the importance of research in documentary making, why some of our documentary makers are basically ignorant about research?**

I think the most significant reason is financial problems. Financial problems force the film makers to omit research expenses. The other reason is that our documentary makers do not know the methodology of research indeed.

**Some of the documentary makers have problems accessing the required documents, especially in cultural inheritance organizations. These organizations won't let them access these documents. Have taken any measures to remove this problem?**

Unfortunately this is a significant issue. Some of these organizations hardly let their documents accessible for research or use. I think we should have a data bank to remove this problem. Therefore, we have made some connections with Carpet Organizations, Municipality Information department, etc. Consequently, Municipality and Astan-e-Ghods Razavi have promised to cooperate with us.

*Documentary Makers Evaluate Cinema-Truth Festival:*

## Amateur Documentaries Change into Professional

While many of the documentary makers emphasize on the fact that having festivals similar to Cinema-Truth Festivals is a great help to improve documentary industry, one of the main problems which still remains is lack of investors and producers who can change amateur documentaries into professionals which can be performed publically.

The Center for Experimental and Documentary Cinema in Ministry Of Islamic Culture And Guidance, visual and audio deputy, holds the third international cinema-truth festival, with an approach to enhance and support the national and creative cinema, preserving eastern and oriental, Iranian and religious identity, presenting and reviving Iranian- Islamic culture and history, showing the keen similarity between documentary, reality, and truth, introducing modern methods and technology to the local documentary makers and an attempt to produce common documentaries with international organizations, and international performance of documentaries. In fact, this Festival is the most specialized and professional means of documentary industry in Iran and it is well-favored among documentary experts. It is a great opportunity to present documentaries which either did not have a chance to be presented or would be presented dispersedly. Some of the documentary makers were interviewed on the impact of Cinema-Truth Festival to improve documentary industry.

Mohammad Reza Aslani: A Way Of Building A Systematic Industry

The Third International Cinema-Truth Festival with the motto “documentary cinema, for everyone” has tried to generalize the audience type, Mohammad Reza Aslani, an old hand in documentary industry states. He also believes that private sector and industrial investors’ involvement in documentary industry could be advantageous: “in Iran about 3000 documentaries are produced yearly, however, most of them are amateur ones. Britain is the biggest documentary makers with about 700 productions yearly; this is of course an official statistics, when amateur productions included, this numbers increases.”

He continues that in Britain the documentary industry is systematic in comparison with Iran: “in Britain documentaries have their own industrial budget, in contrast to Iran. In Britain documentary is considered as a general industry with its specified investing connections. In Iran also we should make a systematic documentary industry; one of the ways to achieve this purpose is to have professional Festivals. Therefore, Cinema-Truth Festival can be a good opportunity to attract a network of investors among banks and industries.”

Aslani believes that Cinema-Truth Festival has been partially successful in this area:” now it is time to enter the international events, as a powerful documentary maker country, and consider more budgets for it.” He concludes on the influence of Cinema-Truth Festival in our documentary industry, “this kind of Festivals, forces films and investors to get out of amateur fields, and introduces private and industrial sectors.”

# CINEMA VERITE 2

Thu - Oct - 16 - 2009

## I am heartsore for Iran

*Festival is a celebration for documentary makers.*

*Seyyed Javad Mir Hashemi this year attend the Festival for the first time with "I am heartsore for Iran". He was nominated as the best documentary maker in Fajr Festival last year. His documentary reviews life and works of Dr. Manouchehr Sotodeh, professor of Iran's history, geography, and literature, on the verge of his one-hundred years.*

to make a documentary about Ghale Rood Khan. I had referred to Dr. Sotodeh's book. Just one day before signing the contract I watched another documentary with the same subject; I was astonished and refrained from making my documentary. Then I decided to go for the author of that book.

**How long did it take to finish the documentary?**

About one year and eight months. There is a variety of visual techniques in this documentary. Tehran, Qazvin, Ghale Alamout, Ghale Rood Khan, Kooshk, and Kelardasht plus an archive picture of Shiraz. And our excuse for this visual diversity was Dr. Sotodeh who has

**How did you come up with the idea of the movie?**

**Did you know professor Sotodeh previously?**

It was a happy chance. First I was supposed

travelled everywhere in Iran

**Are you satisfied with the final production?**

My parents believe that I should invite a superstar to play a role in a film I have worked on for about two years! Portrait documentary is very difficult to produce. As though, something has to happen so that it can be watched. It is my pleasure and honor that Dr. Sotodeh is going to come and watch the documentary this Friday. **How do you think that Cinema- Truth Festival influenced out documentary industry?**

this is the only place where documentary is watched specifically and professionally. We have other film Festivals including Fajr, Roshd or children film festivals, but, documentary festival is the most specialized one. It is like a ceremony on the eve of New Year when everyone can visit each other! Television had its own criteria and does not show our films. Therefore here is the place to watch documentaries and we should be careful not to lose a chance to watch anything.

**How many performances did you have?**

Three or four times in Fajr Festival. And once in a university celebration for Dr. Sotodeh. My next subject will be Professor Bastani Palizi.

## I am delighted that my film is finally being watched

*Tefise treasury is going to be shown in channel one in no time. Saeed Naabi and some other directors have made this film. He has directed many documentaries so far, including Anzali Pond and Iranian Tribes. He has won many international prizes as well.*

**Why did you choose labors as the subject of your documentary? There are many docu-**

**mentaries with the same subject?** Poverty line has a humanitarian subject in a labor domain. I tried to change my point of view and to enter the world of this social class. I felt that I owe something to this labor class and I wanted to repay! Especially because still feel that documentary industry owes a lot to them.

**you have chosen a specific group of labors. Shoe**

**specialized Association, why?** we have made this film for the Shoe specialized Association and Artistic Domain, but when we started we encountered the real labor classes' problems. Both shoe association and Artistic domain refrained from cooperation. We had problems to present the film for about one year. I am really delighted my film is being watched after such a long time in this Festival.

**Did you have a prepared script or you completed it during filming?**

Script was the only thing we tried to preserve while filming. I had prepared the script with Seyed Naser Hashemi and Hassan Mahmoudi. Of course we changed part of the script due to its being very introvert.

**Did you have a prepared script or you completed it during filming?**

Script was the only thing we tried to preserve while filming. I had prepared the script with Seyed Naser Hashemi and Hassan Mahmoudi. Of course we changed part of the script due to its being very introvert.



نشریه روزانه سومین جشنواره بین المللی سینما حقیقت

زیر نظر: روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی  
مدیر مسئول: محمد آفریده

سر دبیر: شاهین امین

طراح: بابک قادری

بخش ایران: رامک صبحی، سحر آزاد، سارا امت علی، فرزانه ابراهیم زاده، طاهره رحیمی، رامتین شهبازی، سحر عصر آزاد، مازیار فکری ارشاد، علی اصغر کشانی، الهام نداف

بخش بین الملل: امیر صدری، رضا حسینی  
انگلیسی: مریم نجفی  
عکس: حسین یاریاس  
امور چاپ: محمدرضا جندقی  
چاپ و لیتوگرافی: چاپخانه بنیاد اندیشه اسلامی